



امروز با سعدی شیراز

که ضایع شود تخم در شور ه بوم

که فرماندهی داشت بر کشوری شب از یسوا خواب مردم حرام ز دست ستمگر گرسند زار بگوی این جوان را بنرس از خدای بگفتا دریغ آدم نام دوست منه با وی ای خواجه، حق در میان که ضایع شود تخم در شور ه بوم بزنجد به چان و برناعت

حکایت کنند از جفا گستری در ایام او روز مردم چو شام گروهی بر شیخ آن روزگار که ای پسر دانای فرخنده رای بگفتا دریغ آدم نام دوست کسی را که بینی ز حق بر کران دریغ است یا سلفه گفت از علوم چو در وی نگردد عدو ندانت

یک خبر یک نگاه

کسب و کار مجازی برای حل مشکل اشتغال

مسئول در این طرح تلاش می‌شود به کسانی که قصد پرداختن به کسب و کار مجازی را دارند کمک شود تا به سفارش دهندگان و مقاضیان کالا و خدمات را راحتی دسترسی پیدا کنند. در مرحله بعد امکان بازاریابی برای آنان نیز فراهم می‌شود. اما توجه به اینکه دنیای امروز به شدت تحت تاثیر دنیای مجازی قرار دارد این ایده می‌تواند کمک زیادی به اشتغال جوانان کند. علاوه بر اینکه این روش هزینه‌ها را کاهش می‌دهد و به سرمایه‌زایی (مثل اجاره کردن یک مغازه برای فروش اجناس) نیاز ندارد. اقدام اول برای تجربه در کشورمان تبدیل به یک تجربه موفق و شاد و پیوند بسیاری از مشکلات کسب و کار را حل کند.

معاون ساماندهی امور جوانان وزارت ورزش و جوانان با اعلام تدوین طرح «کسب و کار فضای مجازی» گفت: قصد داریم پیش از تصویب، این طرح را در یکی از استان‌ها با بهره‌گیری از منابع مالی استان اجرا کنیم و در حال حاضر در حال انتخاب استان مورد نظر هستیم. محمدرضا رستمی هم چنین گفت که مدت شش ماه ۳۷ نفر از فعالان کسب و کار فضای مجازی روی طرح کسب و کار مجازی کار کردند و تجربیات این افراد در این زمینه دریافت شده است. بعد از اقدامات اولیه، این طرح به کمیته فضای مجازی جوانان رفت و پس از انجام اصلاحات به کمیسیون اشتغال دولت تحویل داده شد و از سال گذشته تا کنون در این کمیسیون قرار دارد. در گفته این مقام



نیاز مند باز گشت به اصالت هستیم

آنان باید با نویسندگان جلساتی را ترتیب دهند و موارد مفید و مورد نظر خود را از بین مطالب گلچین کنند و به سمع نویسنده برسانند، تا نویسنده مسیر درست را ادامه دهد، در حالی که غالب ناشران در ایران به فکر منافع مالی هستند و کمتر به فکر توسعه جامعه در مسیر کتابخوانی هستند. باتوجه به مواردی که گفته شد نسبت به رویه موجود بین ناشران نقد جدی دارم. تا زمانی که ما در حوزه هنر حرفه‌ای نشوییم وضعی روزبه‌روز بدتر خواهد شد. ناشران از مسأله‌های فرهنگی و ادبیات‌شناسی ناچارند که به واسطه قدرت‌البدنشان توان استفاده از راست و خرید مطالب از ناشران را دارند. متأسفانه مافیای حوزه نشر در زمان حاضر اجازه انتخاب اشعار و نوشته‌های نیکو را از بین برده است. برخی از انتشارات بزرگ هم به این موضوع دامن می‌زنند و به جای توجه به محتوای آثار، به‌خصوص شعر بیشتر عاقل چشم و ابوی شاعر می‌نویسند. من ۳۸ سال عمر را در حوزه هنر و معلمی ادبیات گذاشتم و انتقادات ریشه در عاقله به درون ادب این سرزمین دارم. نمی‌توانم سرنوشته مردم علاقه‌مند چه خواهد شد. ناشران نباید به مردم دروغ بگویند. دنیای ادبیات، دنیای دروغ نیست، شهرت نیاز به مایه درونی دارد و با بی‌مایگی ایجاد نام هیچ سودی ندارد. افرادی چون من اگر فعالیتشان را در حوزه اقتصاد انجام داده بودند تا حال به ثروت قابل ملاحظه‌ای دست می‌یافتند. از سوی دیگر امروز ناشرانی سودجو متنظر جوانان شوی نامی هستند که با پول به دنبال کسب شهرت هستند. چنین ناشرانی از هر فرصتی نهایت سواستفاده را می‌کنند تا پول هنگفتی به جیب بزنند. در این میان برخی از ناشران هم برای پیشرفت کار خود از امتثال من دعوت می‌کنند تا با آنها کار کنم، همین که کار به سرانجام رسید دیگر من و امثال مرا فراموش می‌کنند. بازار نشر امروز تبدیل به فضای بی‌کاسی شده است. بیشتر انتشاراتی‌ها به دنبال کسب می‌روند که برای اکثر آنان رعایت مایه‌پزیری داشته باشند یا برایشان زودبند کنند. بهره‌گیری از اشعار نام‌باز و بی‌سمن می‌تواند به جوانان فعال در حوزه شاعری حس افتخار بدهد. آنان از این که کتابشان شعر خیرگان شعر بررسی شود افتخار خواهند کرد، نیکه، نیکه، چه شود آن جوان باقی‌مانده. ما هنوز در زمینه نشر به صورت حرفه‌ای فاصله داریم. البته شاعرانی فقط مرعوب به زمینه کتاب نیستند و در سایر حوزه‌های کسب مثل ورزش هم در پی سود، اقداماتی از این دست، باعث شده نشریات کم‌تأثیر سابقشان را از دست بدهند. مسئولان

نیاز مند باز گشت به اصالت هستیم

علیرضا بیاضیانی شاعر و روزنامه‌نگار. متن مصاحبه: دغدغه‌های ذهنی روزمره، موضوعی طبیعی و مستمر است که گاهی در بجهوه ترافیک و گاهی در تنهایی و خلوت، سراغ‌خام می‌آید. در طول چندسال اخیر، من هم به استعمار به دغدغه‌های روزمره، گرفتار بودم و تمام فکر و دگر من معطوف به شرایطی است که نشر و کتاب و فرهنگ در کشور ما با آن دست به گریبان است. ناشران جدید به قواعد اساسی نشر پایبند نیستند. آنان بدون در نظر گرفتن قواعد حرفه‌ای در ابتدای کار بسیار باخلاق به‌نظر می‌رسند اما به محض فروش خوب کتاب یک‌باره ما را می‌شناسند. قبلاً هم گفته‌ام ناشران باید با مشاوران خیره مشورت کرده و سپس اقدام به انتشار کتاب کنند. متأسفانه مشاوران جوانانی هستند که بیشتر نفع‌هایشان را در نظر می‌گیرند و خدمت نیه جامعه ادبی برایشان اهمیتی ندارد. خواننده تازه وارد با مراجعه به یک کتابت‌فروشی دچار سردرگمی می‌شود و این مسئله ناشی از فقدان فرآیندی توسط ناشران است. یکی از وظایف مهم ناشران است که یک تیم حرفه‌ای برای تشخیص کار قوی است.

برش

عطر بهتر است یا قفَر؟

بیدار گشتم می‌داد ولی عطر، آدم را بی‌هوش و بیهوش می‌کند. عادت کرده‌ام چون مجری قفسه را بگردم چون نهمین شده بود. عطر یکی از چیزها نوشته بود «عطر» سرگرمی ما بود. چند نفری از جبهه ما نوشتند: «قفر» از بین علم و ثروت همیشه علم را انتخاب می‌کردند نوشته بودند که «قفر» خوب است چون چشم و گوش آدم را باز می‌کند و آلودگی



یک روز از سراسری کاری می‌شدند که اهل زودبند نبودند و کار خوب را چاپ می‌کردند. در نشریه‌های امروز مردم در مورد خواص شیوید و زنجبیل اطلاعات می‌گیرند و تعداد کشته‌شدگان در افغانستان را می‌دانند، اما از اطلاعات عمیق یافته گذشته بی‌خبرند. در نتیجه با نسلی مواجه شدیم که گستره اطلاعات برانگیزه و وسیعی را دارد اما این گستره از کمترین عمق برخوردار است. جامعه ما نیاز رشد مناسبی برخوردار شود. امروز در کشورهای پیشرفته دنیا اطلاعات علمی کشف شده توسط دانشمندان گذشته ما مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حالی که در کشور ما محصولات به دست آمده از همین علوم ایرانی قدیمی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ما نیازمند استفاده سیستمی از ابزارهای تولیدی کشورهای پیشرفته داریم تا بتوانیم همه حوزه‌ها را یک‌نظر بررسی صورت گیرد و زوری ما هم به پیشرفتی فراگیر دست یابیم. نظارت قوی در انتشارات به معنای همین نگاه سیستمی است که می‌تواند شعرا را به خوبی محک بزند و باعث پیشرفت ادبیات کشور شود. در نتیجه خواننده می‌تواند به نشر اعتماد کند و بر همین اساس کتابخوانی در کشور رشد یابد.

شاتر

دنیا دو گانه عجیبی است



دریچه

کهنه پرستی یا عوام‌فریبی

از جمله تنوع‌طلبی که یکی از ملاک‌هایش نوگرایی است و بازار مصرف آن نیز صنایع و اقتصاد تجملی است. برای تأیید یا رد سایر مفاهیم، مخصوصاً مومراسانی، اخلاقی و اعتقادی، صرف‌نظر از نو یا پیشینه‌دار بودن یک امر، باید با سایر ملاک‌ها محک‌زده شوند. در این میان آنچه به‌نظر می‌رسد مفید بر علت شده و کهنه‌پرستی را برجسته‌تر کرده است. این است که شخصیت‌شناسی به نام «تغییرناپذیری» است. این شخصیت در افراد مختلف متفاوت بوده و بر مبنای آن افراد در پدیده‌های جدید مقاومت نشان داده و تغییر ایجاد نمی‌توانند. فراموش نکنیم که حکمت خلق چنین خلقی، علت گرفتن است که باعث صرفه‌جویی در انرژی شده و پس از تجربه‌اندوزی باعث ثبات شخصیت می‌شود. این مفهوم در فیزیک معادل انرسی بوده و به موجب آن اشیاء تمایل به حفظ حالت قبلی خود را دارند چه ساکن باشند چه متحرک. تغییرپذیری یا افزایش سن کاهش می‌یابد. نسل جدید که به‌خاطر ویژگی‌های فیزیولوژیکی خدادادی، در دوره تجربه‌اندوزی به‌سر می‌برند، جذابیت مفاهیم نو را بر کهنه‌پرستی ترجیح می‌دهند و این امری کاملاً طبیعی است و چه‌بسا برای پیشرفت لازم باشد. اما چنانچه هر امر جدید تنها به‌واسطه ناظمی پذیرفته شده و هر امر کهنه‌ای به‌واسطه دشمنی کنار گذاشته شود، ساختارهای بنیادین ایجاد می‌شود که به خاطر ندانستن نیامه‌های غنی در معرض فروریز قرار می‌گیرند. بدین‌التهال با معلوم می‌شود که مبارزه با دین در دنیای امروز که از استقلال یکی از مظاهر کهنه‌گرایی تلقی می‌کنند، عوام‌فریبی است و بر هیچ اصولی قائم نیست.

گسترده‌دین‌درازان عمومی تزییح کنند. به همان میزان که کهنه‌گرایی مورد سؤال قرار می‌گیرد، نوگرایی هم با چالش‌های مشابه روبه‌رو است. به‌طور کلی، این واژه اعتقادی بوده نمی‌تواند به‌عنوان ملایک ارزشی در بررسی امور به کار رود، مگر برخی امور خاص که آثار یا ذراتی چنین معیاری باشند.

و صرفاً به‌خاطر ریشه‌دار بودن در گذشته، دیانت ابوالجاهد یا کهنه‌پرستی می‌دانند. در واقع کسانی بدون توجیه و توجه به تشابهات و با تکرار کامل، گفتار چنان خطایی می‌شوند اینان کسانی هستند که ضعف در استدلال خود را به این شیوه سرپوش می‌کنند و سعی دارند صرفاً بارش و تبلیغ و تلقین



ابراهیم سوری. متن مصاحبه: بهت از «کهنه‌پرستی» و «نوگرایی» در جامعه امروز، زمانی روی می‌دهد که «نوگرایی» به‌عنوان صفتی مثبت در نظر گرفته می‌شود و در بحث‌هایی که بیشتر جنبه اجتماعی دارد، گروه‌هایی در مقابل یکدیگر صف‌آرایی کرده و با نسبت دادن این صفات به یکدیگر در صدد تخریب هم‌بومی‌ها می‌آیند اما آیا به کار بردن «کهنه‌پرستی» و «نوگرایی» درست است؟ «کهنه‌پرستی» عبارتی است که فقط از جانب برخی و برای تحقیر طرف مقابل به‌کار می‌رود. بنابراین به‌خاطر فقدان مقبولیت و کاربرد سراسری فاقد اعتبار علمی بنابر این باید به‌جای آن واژه «کهنه‌گرایی» را بررسی کرده و آن را معادل «نوگرایی» قرار داد. بعین ترتیب کهنه‌گرایی عبارت است از تمایل به انباشت، انباشت و مقایسه‌ای که ریشه در گذشته‌داند. حال سوالی اساسی پیش می‌آید: آیا کهنه‌گرایی امری مذموم است؟ قطعاً جواب منفی است. چراکه این موضوع به موردی بستگی پیدا می‌کند که این واژه به کار می‌رود. به‌عنوان مثال کسی که با وجود توان مالی و دسترسی، حاضر نیست داس از کار گذاشته و با ابزار جدید مجهول کشاورزی‌اش را براندازد، کسی که کهنه‌گرایی نامعقول است اما نمی‌تواند کمک به دیگران را صرفاً به‌خاطر این که «کهنه» هم‌امری پسندیده بوده، مذموم بدست در حالی که این امر مصلحتی برای کهنه‌گرایی است. متأسفانه عدوی بدون توجه به این مرزبندی‌ها